



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، بر خاست و خطبه‌های به این مضمون ایراد فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، حَتَّى الْمَوْتِ عَلَى وَ لِدِ آدَمَ مَخَطَّ الْفَلَادَةِ عَلَى جِدِّ الْقَتَاةِ، وَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِلَى أَسْلَافِي اسْتِثْبَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَ خَيْرِي مِصْرَ عَ أَنَا لِأَقِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطُّعِيهَا عَسَلَانَ الْفُلُواتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ كَرِبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبُهُ سَعْيًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ حَطَّ بِأَلْقَمِ، رَضِيَ اللَّهُ بِرِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصِرَ عَلَيَّ بِلَانِهِ وَ يَوْقِنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَسُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِحْمَتَهُ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجَزُ بِهِمْ وَعْدُهُ.»

مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْ حَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و آتش) و سلام خدا بر او باد. آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردنبنند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقیم به زیارت اسلافم (جد و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم فتلگهای گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گوئیا می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نواویس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبانها که از من آکنده گردد، گریزی از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل البیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگردد مگر آن که در حضره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجام گردد، هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

• همراهی با اولیای الهی در مسیر نیل به مقام معیت با حضرت حق

- اشاره به مواردی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام در موضوع معیت
- وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (سوره حدید آیه ۴)

▪ هر جا باشید او با شماست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

- مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ وَ فِيهِ؛

▪ «به هیچ چیز نظر نینداختم مگر آن که خدا را پیش از آن، پس از آن، همراه آن و درون آن مشاهده کردم

• فیض کاشانی، عین الیقین، ج ۱، ص ۴۹.

- معیت و همراهی در قوس صعود و قوس نزول

▪ معیت در قوس نزول تکوینی است و به اراده حضرت حق

▪ معیت در قوس صعود وابسته به اراده مخلوق

• احسان الهی از نوع ابتدایی و نه معاوضه ای

- احسانی که خدای متعال به بندگانش دارد، یک احسان ابتدایی و بدون استحقاق محسن‌الیه است.

• اهمیت جایگاه عقل و آگاهی در حرکت صحیح

• معیت و همراهی با خلیفه الهی عامل رهایی و حرکت در مسیر تعالی

- وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ... (سوره بقره آیه ۳۰)

○ اولیاء الهی عامل دستگیری و اتصال با حضرت حق (ید خلقی و ربی)

▪ این ضرورت عقلی را عرفا با ضرورت وجود واسطه تکوینی میان عالم امر و خلق که قدرت و ید ربی و خلقی داشته باشد تا فیض را

از حق بگیرد و به خلق برساند، بیان کرده‌اند

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره مائده آیه ۳۵)

• ای مؤمنان! از خداوند پروا کنید و به سوی او راه جوئید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار گردید.

• اشاره ای دوباره به انواع انسانها در قبول دین و لوازم آن (در ادامه بحث جلسات گذشته)



- وَ كَيْفَ أَخَافَ مَا أَسْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَسْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)
- و چگونه از آنچه شریک (خداوند) قرار می‌دهید بهر اسامی در حالی که خود نمی‌هراسید از اینکه چیزی را شریک خداوند قرار داده‌اید که برهانی بر آن بر شما فرو نفرستاده است؛ پس اگر دانایید کدام‌یک از (ما) دو گروه به امن (و آرامش) سزاوارتر است؟
- الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُّهْتَدُونَ (۸۲)
- آنان که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به هیچ ستمی نیالوده‌اند، امن (و آرامش) دارند و رهیافته‌اند.
- در آیه قبلی ابراهیم (ع) در خلال حجتی که علیه مشرکین اقامه کرده بود از آنان پرسید: کدام‌یک از من و شما سزاوارتریم به ایمنی و نترسیدن؟ اینک در این آیه خودش جواب می‌دهد. و چون جواب بدیهی و روشن بوده، از شدت وضوح، خود خصم نیز آن را قبول داشته، و معلوم است که در اینگونه سؤالات لازم نیست که سؤال کننده در انتظار جواب طرف باشد، بلکه از آنجایی که احتمال مخالفت نمی‌دهد می‌تواند خودش جواب را بگوید.
- چه کسانی ایمان خود را با غیر خداوند آلوده نمیکنند؟
- اشاره ای به بحث خیال و تخیل در آراء ابن‌سینا «شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا» که از مبسوط‌ترین مباحث پیرامون نفس و قوای آن را در قسمت «الفن السادس من الطبيعيات» کتاب «شفاء» آورده است.
- ابن‌سینا متذکر می‌شود برای قوه متخیله برخی مردم، ممکن می‌شود که با شدت هر چه تمامتر چیزی را بیافرینند و این هنگامی است که هیچ حواسی بر آن مستولی نیست و مصوره نیز کاملاً در اختیار قوه متخیله قرار دارد. این قبیل انسانها قادرند آن چه را که دیگران در خواب می‌بینند در بیداری ببینند: «در بیشتر اوقات برای این قبیل اشخاص چنین اتفاقی می‌افتد که از محسوسات، غائب و بی‌خبر می‌شوند و حالتی شبیه بیهوشی به آنها دست می‌دهد و بسیار هم می‌شود که این حالت دست نمی‌دهد و بسیار می‌شود که حقایقی را به همان حال که فی نفس می‌باشند، می‌بینند و یا به امثله ای، حقایق برای آنها متخیل می‌گردد؛ مانند آن چه را که نائم تخیل می‌کند و می‌بیند... و گاهی هم حقایق یا شبحی برای آنها متخیل می‌گردد و چنین تخیل می‌کنند که خطایی به الفاظ مسموع، از این شبح می‌شنوند و این الفاظ را حفظ کرده و بر غیر خود می‌خوانند و این امر نبوت خاص، به سبب نیروی متخیله است و نبوتهای دیگری نیز هست که در آینده، امر آنها آشکار خواهد شد و هیچ یک از افراد بشر نیست که او را بهره از ادراکاتی که در حال بیداری است نباشد.»
- ایمان خالص عامل پرواز و رهایی نفس
- امن و اهتدا از خواص و آثار ایمان است، اگر با ظلم پوشیده نشود
- ماهیت ایمان و مراتب اسلام از دیدگاه علامه طباطبائی (المیزان، ج ۱ صفحه ۴۵۳)
- ایشان همچنین در چندین موضع از تفسیر المیزان ضمن مقایسه میان اسلام و ایمان، مراتب چهارگانه‌ی برای هر کدام قائل شده است.
- اولین مرتبه‌ی اسلام، قبول و پذیرش ظواهر اوامر و نواهی الهی با گفتن شهادتین بر زبان است؛ خواه قلباً هم آن را قبول کرده باشد، خواه قبول نکرده باشد.
- بدنبال این مرتبه از اسلام، اولین مرتبه‌ی ایمان قرار دارد که عبارت از اذعان و باور قلبی است به مضمون
- اجمالی شهادتین که لازمه‌ی آن عمل به بیشتر مسائل فرعی است.



- **دومین مرتبه اسلام** که پس از ایمان رتبه‌ی اول قرار می‌گیرد، تسلیم و انقیاد قلبی است به اغلب اعتقادات حق بتفصیل و اعمالی که بتبع آن لازم می‌شود؛ هر چند ممکن است گاهی خلافی هم صورت بگیرد. این اسلام در متقیان پدید می‌آید و در رتبه‌ی پس از ایمان رتبه‌ی اول قرار دارد.
- **پس از این اسلام، ایمان رتبه‌ی دوم قرار می‌گیرد و آن اعتقاد تفصیلی به حقایق دینی است.**
- **مرتبه‌ی سوم اسلام** پس از ایمان رتبه‌ی دوم بدست می‌آید. هنگامی که نفس انسان ایمان رتبه‌ی دوم و اخلاق آن رتبه را پیدا کرد، قوای مختلف او انقیاد پیدا می‌کنند و تسلیم خداوند می‌شوند و از زخارف دنیا دل می‌کنند و بگونه‌ی خداوند را اطاعت می‌کنند که گویی او را می‌بینند و اگر به این حد هم نرسند، گویی خداوند آنها را می‌بیند و در باطن انسان در انقیاد به خداوند هیچ مشکلی وجود ندارد. این تسلیم محض مرتبه‌ی بالاتر از ایمان مرتبه‌ی دوم است. (البته شاید بتوان رتبه دو و سه را یکی دانست)
- **پس از این اسلام، ایمان رتبه‌ی سوم پدید می‌آید و همراه اخلاق فاضله‌ی مانند رضا، تسلیم، صبر، زهد است.**
- **مرتبه‌ی چهارم از اسلام** دنباله و لازمه‌ی همان مرحله‌ی سوم از ایمان است، چون انسانی که در مرتبه‌ی قلبی بود، حال او در برابر پروردگارش حال عبد مملوک است درباره مولای مالکش، یعنی دائماً مشغول انجام وظیفه‌ی عبودیت است، آنهم بطور شایسته و عبودیت شایسته همان تسلیم صرف بودن در برابر اراده‌ی مولی و محبوب او و رضای اوست. همه‌ی اینها مربوط به عبودیت در برابر مالک عرفی و بشری است و این عبودیت در ملک خدای رب العالمین عظیمتر و باز عظیمتر از آن است، برای اینکه ملک خدا حقیقت ملک است که در برابرش هیچ موجودی از موجودات استقلال ندارد؛ نه استقلال ذاتی، نه صفتی، نه عملی.
- در هر صورت، اسلامی که در این آیه درخواست شده اسلام مرتبه‌ی چهارم بوده و در برابر این مرتبه از اسلام، مرتبه‌ی چهارم از ایمان قرار دارد و آن عبارت از این است که این حالت، تمامی وجود آدمی را فرا بگیرد. خدای تعالی درباره‌ی این مرتبه از ایمان می‌فرماید:
 - **«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ»**
- مؤمنینی که در این آیه ذکر شده‌اند، باید این یقین را داشته باشند که غیر از خدا هیچ کس از خود استقلالی ندارد و هیچ سببی تأثیر و سببیت ندارد مگر به اذن خدا. وقتی چنین یقینی برای کسی دست داد، دیگر از هیچ پیشامد ناگواری ناراحت و اندوهناک نمی‌شود و از هیچ محذوری که احتمالش را بدهد نمی‌هراسد.
- **این همان ایمان مرتبه‌ی چهارم است که در قلب کسانی پیدا می‌شود که دارای اسلام مرتبه‌ی چهارم باشند.**
- رابطه میان اسلام و ایمان و یقین در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام
 - **يَحْتَاجُ الْإِسْلَامَ إِلَى الْإِيمَانِ. مَلَكَ الْإِيمَانِ حَسَنُ الْإِيْقَانِ . يَحْتَاجُ الْإِيمَانُ إِلَى الْإِيْقَانِ. يَحْتَاجُ الْإِيمَانُ إِلَى الْإِخْلَاصِ (۴/۴۷۵).**
 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) / ۵۴۹ / الباب التاسع و العشرون مما ورد من حکم أمير المؤمنين
 - **قَوُّوا إِيمَانَكُمْ بِالْيَقِينِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الدِّينِ (۴/۵۱۲).**
 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم / ۶۲ / الیقین نظام الدین و عماد الإیمان ...
- توصیه‌هایی اخلاقی و کاربردی در مسیر ایمان و یقین و اخلاص
- جمع بندی مباحث جلسه سوم